جهان‌نما

زخم جنگ بر چهره محیط‌زیست یمن

ناتوانی مردم یمن در تامین سوخت، روند قطع درختان در این کشور فقیر عربی را دوچندان کرده است

۸سال جنگ در یمن باعث شده تا یمنی‌های خسته از جنگ برای کاهش هزینه‌های سوخت به قطع درختان روی آورند. خبرگزاری فرانسه در گزارشی از جنوب یمن نوشته که در این منطقه قطع درختان کوهستانی رونق یافته است. حسین عبدالقاوی که شغلش فروش تنه چوب در حومه «تعز» است به خبرگزاری فرانسه می‌گوید: «ما شروع به قطع درختان و فروش آنها کردیم زیرا با ادامه جنگ راه دیگری برای امرار معاش نداریم.» جنگ ائتلاف عربی به رهبری عربستان علیه یمن، این کشور فقیر عربی در شبه‌جزیره عربستان را ویران کرده است. جنگ جان صدهاهزار نفر از یمنی‌ها را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم گرفته و مردم را تا مرز قحطی کشانده است. از سوی دیگر تورم جهانی پس از جنگ اوکراین در یک‌سال گذشته و به‌تبع آن افزایش قیمت جهانی سوخت و مواد غذایی، اقتصاد نحیف و آسیب‌پذیر یمن را بیش از گذشته متحمل خسارت کرده است. به‌گفته عبدالقاوی این روزها در یمن بسیاری قادر به خرید کپسول گاز برای گرم کردن و پخت‌وپز نیستند و از همین رو استفاده از چوب به‌عنوان منبع سوخت نیز رونق یافته است. او گفته: «ما چاره‌ای جز فروش چوب نداریم، همانطور که مردم چاره‌ای جز خرید چوب برای تامین سوخت ندارند.»

این گزارش نقل قولی از یک مالک نانوایی در تعز را منتشر کرده که قیمت بسیار بالای کپسول‌های گاز را دلیل استفاده از چوب درختان برای پخت نان می‌داند و تأکید می‌کند که اگر نانوایی با گاز ادامه کار دهد، بسیاری از یمنی‌ها پول خرید نان گران‌تر را نخواهند داشت و بسیاری با گرسنگی بیشتر روبه‌رو خواهند شد. انور الشاذلی، کارشناس محیط‌زیست با ارائه آماری از افزایش قطع درختان در یمن می‌گوید که بیش از ۶میلیون اصله درخت از زمان آغاز جنگ ازجمله در اطراف پایتخت صنعا قطع شده است. به‌گفته این کارشناسان محیط‌زیست، بسیاری از رستوران‌ها و نانوایی‌های صنعا به‌دلیل گران شدن قیمت گاز در یک‌سال گذشته به سمت استفاده از زغال چوب رفته‌اند. این کارشناس محیط‌زیستی با اشاره به تأثیر منفی قطع درختان بر کاهش منابع آب این کشور می‌گوید: «اگر قطع بی‌ضابطه و پرسرعت درختان به همین شیوه ادامه یابد، یمنی‌ها احتمالا پس از جنگ با یک محیط‌زیست ویران شده روبه‌رو خواهند شد.»

دریچه

بحران اقتصادی لبنان و سفره خالی ارتش

کاهش ارزش پول ملی لبنان و تورم افسار گسیخته ارتش این کشور را بیش از پیش در بحران معیشتی فروبرده است

عمیق‌تر شدن بحران مالی لبنان به حیاتی‌ترین نهاد امنیتی این کشور یعنی ارتش، آسیب جدی زده است. کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن، افزایش لجام گسیخته نرخ تورم، باعث شده تا برخی از نیروهای ارتش به‌دنبال مشاغل پاره وقت باشند و برخی دیگر به‌طور کلی، تصمیم به تغییر شغل و کناره‌گیری از اشتغال در ارتش داشته باشند. گفته شده، بسیاری از اعضای ارتش پس از پایان کار خود، به جابه‌جایی مسافر می پردازند و برخی دیگر، برای کاهش هزینه‌های روزمره خود، در سربازخانه‌ها می‌مانند.
وب سایت المانیتور به نقل از یک سرباز ارتش لبنان که نام اصلی‌اش فاش نشده، نوشته که کاهش شدید ارزش پوند لبنان باعث شده تا ارزش حقوق ماهانه او برابر با ۷۵دلار باشد. این در حالی است که ۳سال قبل، ارزش حقوق او برابر با ۱۳۰۰دلار بود. لبنان با یکی از بدترین بحران‌های اقتصادی خود دست و پنجه نرم می‌کند. خزانه دولت خالی شده و اکثریت مردم در فقر به‌سر می‌برند. پوند لبنان در ۳ سال گذشته، بیش از ۹۸درصد از ارزش خود را از دست داده و با سقوط آزاد در هفته‌های اخیر، ارزش آن به پایین‌ترین حد خود رسیده است. در حال حاضر، ۸۱هزار پوند با یک دلار آمریکا برابری می‌کند. در اوایل ژانویه یعنی کمتر از ۲ماه گذشته، ارزش هر دلار آمریکا تقریبا ۴۲هزار پوند بود.
اواخر سال ۲۰۲۱، خبرگزاری لبنانی L'Orient Le Jour گزارش داده بود که هزاران نفر از اعضای ارتش، به‌دلیل حقوق پایین، از کار خود استعفا داده و انتظار می‌رود اکنون که سقوط پول ملی بیشتر هم شده، تعداد بیشتری از افسران ارتش کناره‌گیری کرده باشند.
ارتش برای پرداخت حقوق ۸۰هزار نیرویی که دارد، به کمک‌های بین‌المللی وابسته شده است. قطر ۸ماه پیش ۶۰میلیون دلار را به ارتش لبنان هدیه داد. این کمک مالی، باعث افزایش ۱۰۰دلاری حقوق ماهانه نیروهای ارتش شد. آمریکا نیز وعده‌های مشابهی برای کمک مالی به ارتش داده، اما این کمک‌ها هنوز به بیروت نرسیده است.

ژنرال جوزف عون، فرمانده ارتش لبنان بحران مالی کنونی را خطرناک‌ترین بحرانی توصیف کرده که ارتش تا به امروز با آن مواجه بوده است. این بحران روی عملکرد ارتشی‌ها نیز تأثیر زیادی گذاشته و نظامیان لبنانی تاکنون در مقابله با آشوب‌ها ازجمله آتش زدن بانک‌ها ناتوان بوده‌اند.

اسکاتلندی‌ها به دنبال جدایی از بریتانیا هستند. عکس: NBC

خورشید پادشاهی بریتانیا غروب می‌کند؟

تشدید بحران‌های سیاسی و اقتصادی پس از برگزیت و افزایش تمایلات ملی‌گرایانه در کشورهای تابعه پادشاهی بریتانیا مرگ آن را نزدیک‌تر کرده است

گزارش ۱
بهاره محبی
روزنامه‌نگار

بحران اقتصادی، اختلافات فزاینده سیاسی و نارضایتی‌های گسترده اجتماعی بخشی از چالش‌های پیش‌روی دولت ریشی سوناک، نخست‌وزیر انگلیس است؛ چالش‌هایی که در کنار رشد فزاینده تمایلات استقلال‌طلبانه در کشورهای تابع پادشاهی بریتانیا به‌ویژه اسکاتلند و ایرلندشمالی پس از خروج از اتحادیه اروپا(برگزیت) زمزمه‌های فروپاشی بریتانیای کبیر را بلند کرده است.
البته هراس دولتمردان انگلیسی از فروپاشی پادشاهی بریتانیا امر جدیدی نیست و منشا آن به ابتدای داستان شکل‌گیری این پادشاهی بازمی‌گردد. با این حال مسئله اینجاست که این نگرانی کهنه از زمان مرگ الیزابت دوم در سال گذشته میلادی به‌طور قابل‌توجهی تشدید شده است. لیز تراس سیاستمدار حزب محافظه‌کار که ملکه الیزابت تنها ۲روز پیش از مرگش نخست‌وزیری او را تأیید کرده بود، با ارائه بسته مالی بحث‌برانگیزی بریتانیا را در سراشیبی یک بحران مالی جدی قرار داد و چند هفته بعد هم از سمت خود استعفا کرد. از آن زمان تاکنون، بریتانیا با جهش شدید قیمت انرژی، اعتصابات گسترده و یکی از بدترین انقباض‌های اقتصادی چند دهه اخیر خود مواجه شده است. فارغ از این، لندن پس از خروج از اتحادیه اروپا نه‌تنها نفوذ کمتری در جهان دارد بلکه از آنجایی که بیشترین شهروندان اسکاتلند و ایرلند شمالی به برگزیت رأی منفی دادند، با خطر جدایی این کشور از پادشاهی بریتانیا روبه‌رو شده است. سلطنت که زمانی نماد نفوذ بریتانیا و هویت بریتانیایی بود، اکنون به بستری برای بروز خصومت‌های خانوادگی خاندان سلطنتی تبدیل شده است. همین چند هفته قبل، شاهزاده هری با انتشار کتابی، از اختلافات عجیبی در خاندان سلطنتی بریتانیا پرده برداشت که هیاهوی بسیاری در جهان به‌پا کرد. نمود این اختلافات پس از مرگ ملکه الیزابت بیشتر شده است. ماهنامه فارین‌افرز می‌نویسد: «ثبات پادشاهی بریتانیا با استخوان‌های ملکه الیزابت به خاک سپرده شده است.»

پایه‌های لرزان پادشاهی

سلطنت بریتانیا بر چند اصل بنا شده بود که تقریبا همگی آنها امروز به لرزه درآمده‌اند. نخستین اصل آن، امپراتوری است. انگلیس، اسکاتلند و ایرلند از اتحاد با یکدیگر سود می‌بردند. این معامله برای طرفین منطقی بود: انگلیس می‌توانست بر جزیره بریتانیا تسلط یابد و طرف‌های دیگر نیز از حمله احتمالی طرف ثالث در امان مانده و در منفعت پیشرفت سریع انگلیس نیز شریک می‌شدند. پایه دوم پادشاهی بریتانیا پروتستانیسم بود. در قرن شانزدهم اختلافات شاخه‌های مختلف مذهبی چالش‌های زیادی را برای دولت‌های منطقه ایجاد کرده بود. آنچه در میان تمام ملت‌ها مشترک بود پروتستانیسم بود. اصل سوم تشکیل پادشاهی بریتانیا رهاورد انقلاب صنعتی بود. تشکیل اتحادیه‌های کارگری و حزب کارگر به‌مثابه ریسمانی ملت‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌زد و شکاف‌ها را پر می‌کرد. دولت رفاهی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و همچنین تشکیل نهادهایی چون سازمان خدمات بهداشت که به تمام ساکنان بریتانیای کبیر فارغ از ملیت آنان خدمات ارائه می‌کرد نیز کارکرد تقریبا مشابهی داشتند. اصل چهارم تشکیل پادشاهی بریتانیای کبیر «پرستیژ» بود؛ به این معنی که بریتانیایی بودن برند برنده بود؛ روندی که دستخوش تغییر شده است. فارین‌افرز می‌نویسد: «شاید به لرزه افتادن یک یا ۲پایه از ۴پایه تشکیل پادشاهی بریتانیای کبیر تهدیدی وجودی برای آن به‌شمار نرود اما هر ۴پایه چطور؟»

متحدانی که استقلال می‌خواهند

نخستین کسی که در تاریخ معاصر فروپاشی بریتانیا را پیش‌بینی کرد تام نارین، جامعه‌شناس اسکاتلندی بود که کتابش با عنوان «فروپاشی بریتانیا» در سال ۱۹۷۷ منتشر شد. نارین نوشته: «در اینکه دولت بریتانیا سقوط خواهد کرد هیچ شکی نیست؛ البته این سقوط نه ناگهانی که به مرور اتفاق خواهد افتاد.» آنچه چشم‌انداز پادشاهی بریتانیا را تیره و تار کرده است، غلیان احساسات ملی‌گرایانه در اغلب کشورهایی است که امروز بخشی از این پادشاهی هستند. به‌عنوان مثال، در حال حاضر عرصه سیاست در اسکاتلند تحت تسلط حزب ملی اسکاتلند است؛ حزبی که اعلام کرده مهم‌ترین ماموریتش تحقق استقلال اسکاتلند از پادشاهی بریتانیاست. در ایرلند شمالی هم پروتستان‌ها اکثریت جمعیتی خود را از دست داده‌اند؛ مشخصه‌ای که در یک‌قرن گذشته باعث اتحاد ایرلندشمالی با بریتانیا شده بود. حتی ولز که انگلیس آن را در سال ۱۲۸۴ ضمیمه خود کرد، به‌طور قابل‌توجهی در حال فاصله گرفتن از لندن است.

برگزیت تسریع‌کننده زوال پادشاهی

مرگ الیزابت دوم نشانگر نابودی امپراتوری بود. زمانی که او در سال ۱۹۵۲ بر تخت نشست، امپراتوری بریتانیا بیش از یک‌چهارم جمعیت جهان را در برمی‌گرفت اما این قلمرو در زمان مرگش به چند جزیره و منطقه محدود شده بود و کشورهایی چون استرالیا و نیوزیلند نیز که هنوز بخشی از بریتانیای کبیر به‌شمار می‌روند قصد دارند تا پس از باربادوس که در سال ۲۰۲۱ استقلال خود را اعلام کرد همان مسیر را طی کنند.
پیش از دوره سلطنت الیزابت دوم، در دوره سلطنت ملکه ویکتوریا که ۶۳سال ادامه داشت، گفته می‌شد که خورشید در سرزمین‌های امپراتوری بریتانیا هرگز غروب نمی‌کند. به‌عبارت دیگر، بریتانیا در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، آنچنان پهناور بود که خورشید همواره حداقل بر یک بخشی از قلمرو آن می‌تابید. اکنون پس از مرگ ملکه الیزابت، خورشید پادشاهی بریتانیا هم میل به غروب دارد.
در این میان برگزیت به نوعی تلاش لندن برای جبران زوال تدریجی قدرت بریتانیا بود که البته نتیجه عکس داشت. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد خروج انگلیس از اتحادیه اروپا نقش زیادی در عمیق‌تر و حادتر شدن مشکلات اقتصادی امروز لندن داشته است. برگزیت همچنین باعث نارضایتی‌های گسترده از انگلیس در اسکاتلند و ایرلندشمالی شده و تمایل آنان به استقلال را بیشتر کرده است. در این میان، روی کار آمدن ۵نخست‌وزیر در ۶سال گذشته بیش از پیش نشان می‌دهد که مفاهیمی چون بریتانیای باثبات عملا رنگ باخته است به‌ویژه اینکه وضعیت دولت تکنوکرات ریشی سوناک برآمده از حزب محافظه‌کار نیز متزلزل ارزیابی می‌شود. فارین‌افرز با اشاره به تاریخ استعمارگرایانه بریتانیا می‌نویسد: «امپراتوری بریتانیا اکنون در بهترین حالت یک نمایش نوستالژیک از گذشته است و در بدترین حالت، کابوسی از یک پروژه ناتمام؛ پادشاهی برآمده از برده‌داری، نژادپرستی و خشونت بی‌رحمانه.»

تحلیل

سلطنت بریتانیا، نامحبوب در میان نسل جوان

کوین سالیوان، ستون‌نویس واشنگتن پست: لندن مدتی است که درگیر تنش‌های فزاینده منطقه‌ای است. اسکاتلند که چندسالی است به‌دنبال استقلال از بریتانیا است، تلاش‌هایش را برای جدایی از انگلیس پس از مرگ ملکه الیزابت دوم در سال گذشته تشدید کرده است. پس از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، مرز زمینی مشترک ایرلند شمالی با این اتحادیه به چالشی جدی تبدیل شده است. موافقت‌ها و مخالفت‌ها در این کشور با اجرایی شدن برگزیت، موقعیت آن را در پادشاهی بریتانیا به معمایی پیچیده تبدیل کرده است. در این میان، بریتانیا تحت اداره چارلز سوم است که محبوبیت زیادی ندارد. بسیاری از بریتانیایی‌های جوان اهمیت چندانی برای سلطنت قائل نیستند و آن را یادگاری اغلب پردردسر از گذشته می‌دانند. نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که اغلب انگلیسی‌ها اعتماد گذشته به‌خودشان را از دست داده‌اند. دولتمردان انگلیس دوست داشته باشند یا نه، همه‌چیز از وقوع تغییراتی بنیادین در قلمرو بریتانیا خبر می‌دهد که تحقق‌اش اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد و در بهترین حالت تغییر دولت‌ها در لندن تنها می‌تواند این تغییرات را کم کند.

چرخش آفریقا به سمت مسکو

با وجود اعلام بی‌طرفی بسیاری از کشورهای آفریقایی در جنگ اوکراین، جهت‌گیری کلی کشورهای این قاره به سوی روسیه است

گزارش ۲

از زمان آغاز جنگ در اوکراین بسیاری از دولت‌های آفریقایی هیچ جانبداری و یا حمایت رسمی از هیچ‌کدام از طرفین جنگ نداشته‌اند، اما اکنون یک سال پس از این جنگ به‌نظر می‌رسد که کفه ترازو در آفریقا به نفع روسیه سنگینی می‌کند. الجزیره گزارش داده که همزمان با سالگرد جنگ اوکراین، یکی از ناوهای جنگی روسیه که به موشک هایپرسونیک مجهز است، همراه با تعدادی از ناوشکن‌های چین در سواحل آفریقای‌جنوبی برای برگزاری یک مانور دریایی مشترک پهلو گرفته است. سال گذشته تصور اینکه آفریقای‌جنوبی همزمان با جنگ در اوکراین مانور نظامی مشترک با روسیه برگزار کند، دشوار بود، اما اکنون این تمرین نظامی در حال انجام است.
براساس گزارش الجزیره، برخلاف آمریکایی‌ها، روس‌ها در قاره آفریقا از نظر دیپلماتیک در حال کسب موفقیت هستند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه همزمان با جنگ در اوکراین طی یک سال گذشته با رهبران آنگولا، بوتسوانا، اسواتینی، اریتره، آفریقای‌جنوبی، مصر، جمهوری کنگو، اوگاندا و اتیوپی دیدار کرده است و از نظر دیپلماتیک توانسته به آنها نزدیک شود. کنگو، اتیوپی و اوگاندا که لاوروف سال گذشته از آنها دیدار کرده بود، در ماه اکتبر به قطعنامه سازمان ملل برای محکومیت روسیه رأی مثبت ندادند.
از سوی دیگر صرف‌نظر از مناقشه فعلی در اوکراین، روسیه همچنین در سایر بخش‌های آفریقا ازجمله سودان، جمهوری آفریقای مرکزی و مالی از طریق گروه واگنر فعالیت‌های گسترده‌ای را دنبال کرده است. همچنین سایر کشورهای آفریقایی روابط خود را با متحدان اصلی روسیه تقویت کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، زیمبابوه ماه گذشته، میزبان مهم‌ترین متحد روسیه، یعنی الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس بود. الجزیره گزارش داده که آمریکا قصد دارد لایحه‌ای را برای مجازات کشورهای آفریقایی تدارک ببیند که با روسیه روابط نزدیکی دنبال می‌کنند. این لایحه که به «قانون مقابله با فعالیت‌های روسیه در آفریقا» معروف است، به‌دنبال مقابله با نفوذ روسیه در آفریقاست. روسیه روابط تاریخی با آفریقا دارد که به زمان اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد. در طول دوره آپارتاید آفریقای‌جنوبی، شوروی سابق کمک مالی و آموزشی به جنبش آزادی بخش آفریقای جنوبی می‌کرد. شوروی همچنین در زیمبابوه از جبهه میهنی استقلال‌طلب این کشور حمایت کرد و در آنگولا، از دهه ۱۹۶۰ تا استقلال از پرتغال در سال ۱۹۷۵ حمایت نظامی کرد.
از سوی دیگر اگرچه اتحادیه آفریقا ادعا می‌کند که در جنگ اوکراین بی‌طرف است، اما وقتی حدود ۱۰ماه پیش در ماه آوریل، ولودیمیر زلینسکی، رئیس‌جمهور اوکراین خواستار برگزاری کنفرانس ویدئویی با رهبران آفریقایی از طریق اتحادیه آفریقا شد، این درخواست با ۱۰هفته تأخیر پذیرفته شد. در آن زمان، فقط ۴ رئیس دولت آفریقایی در نشست ویدئویی زلینسکی شرکت کردند. یک موضوع اساسی دیگر وابستگی بسیار زیاد کشورهای آفریقایی به روسیه و اوکراین برای تامین مواد غذایی مورد نیاز است. براساس گزارش الجزیره، کشورهای آفریقایی حدود ۵۰درصد گندم خود را از روسیه و اوکراین وارد می‌کنند و همزمان با جنگ، شاهد افزایش ۷۱درصدی قیمت‌ها بوده‌اند. به‌گفته بانک توسعه آفریقا، قبل از جنگ اوکراین، حدود ۲۸۳میلیون نفر در آفریقا از گرسنگی رنج می‌بردند و از همین رو بسیاری از کشورهای این قاره تمایلی به تقابل با روسیه ندارند. برخی برخوردهای نژادی نیز در جهت‌گیری آفریقایی‌ها نسبت به جنگ اوکراین تأثیرگذار بوده است. براساس گزارش الجزیره، دانشجویان آفریقایی در اوکراین موارد متعددی از تبعیض نژادی را گزارش کرده‌اند و این برخوردها باعث تمایل بیشتر کشورهای آفریقایی به روسیه در جنگ اوکراین شده است.

نقل‌قول

راه نجات لبنان فراموش کردن وعده‌های خارجی است

هاشم صفی‌الدین، رئیس شورای اجرایی حزب‌الله لبنان: لبنان با یک وضعیت داخلی سخت روبه‌روست. درست است که مشکل ما ابعاد داخلی دارد، اما ابعاد خارجی هم دارد. تنها راه برای نجات کشور فراموش کردن خارج و یافتن راه‌حل مشکلات از طریق گفت‌وگوست. (النشره)

باید درباره توان هسته‌ای انگلیس و فرانسه هم مذاکره کرد

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه: ما ابتدا توانایی‌های هسته‌ای انگلیس و فرانسه را جدی نمی‌گرفتیم زیرا ناتو اظهار کرده بود که تقریبا یک نهاد غیرنظامی است، اما اکنون مشاهده می‌کنیم که ناتو یک بلوک نظامی است، پس باید در این‌باره هم مذاکره کنیم. (اسپوتنیک)

چین نمی‌تواند بی‌طرف بماند

جان بولتون، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا: نقشه راه پکن برای برقراری صلح در اوکراین احتمالا توسط مسکو طراحی شده است. شک دارم پکن بتواند به‌طور مشروع موضع بی‌طرفی را در قبال جنگ اوکراین در پیش بگیرد. به اعتقاد من امروز اوکراین بیشتر از سوی چین تهدید می‌شود. (راشاتودی)

خبر

کشته شدن ۲صهیونیست در عملیات جدید فلسطینی‌ها

عملیات تیراندازی در شهرک حواره در جنوب نابلس به کشته شدن ۲ صهیونیست منجر شد. مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین به نقل از منابع عبری زبان در تشریح این عملیات گزارش داده که این عملیات وقتی آغاز شد که جوانی فلسطینی به عمد با خودروی صهیونیست‌ها در شهرک حواره تصادف کرد. او سپس از خودروی خود پیاده شد و روبه‌روی سرنشینان خودرو ایستاده و به سمت آنها تیراندازی کرد. سرنشینان خودرو در ابتدا به‌شدت مجروح شدند و ساعاتی بعد جان دادن هر دوی آنها تأیید شد. همچنین گفته شده که مجری این عملیات به سلامت محل حادثه را ترک کرده است. روزنامه عبری زبان یدیعوت احرونوت اعلام کرده که عملیات تیراندازی روز یکشنبه در کرانه‌باختری همزمان با برگزاری نشست امنیتی «عقبه» انجام گرفته است؛ نشستی که هدف از برگزاری آن توقف عملیات تیراندازی فلسطینی‌ها در اراضی اشغالی بوده است. طی یک سال گذشته صهیونیست‌ها با موجی از عملیات‌های نیروهای فلسطینی روبه‌رو بوده‌اند. عملیات فلسطینی‌ها طی سال میلادی جدید، حداقل منجر به کشته شدن ۳۲صهیونیست شده است که این میزان بالاترین آمار تلفات صهیونیست‌ها از سال ۲۰۰۸ تاکنون است. افزایش تنش‌ها در فلسطین اشغالی در حالی رخ می‌دهد که به‌نظر می‌رسد مقاومت مسلحانه فلسطین در حال احیا شدن است.

کیوسک

هفته‌نامه گاردین [انگلیس]

فشارها علیه روسیه جواب داده است؟

در خلال جنگ اوکراین، اروپایی‌ها زمانی از خواب بیدار شدند که صف‌های طویل تانک‌های روسی به پشت دروازه شهر کی‌یف رسیده بودند. از همین رو، کشورهای اروپایی با تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه مسکو به مقابله با روسیه رفتند. اروپا امیدوار بود که بتواند ماشین جنگی روسیه را با تحریم‌های سخت متوقف کند، اما ادامه جنگ پس از یک‌سال نشان می‌دهد که ماشین جنگی روسیه هنوز متوقف نشده است. از سوی دیگر اتکای اروپا به نفت و گاز روسیه یک ضعف اساسی است. به‌گفته کریستف گووانز، نفت، نماد ضعف اقدامات غرب علیه روسیه است. در واقع اقتصاد روسیه با وجود تحریم‌ها، آنطور که غرب انتظار داشت، تاکنون سقوط نکرده است.